

شهر واتیکان

شهر واتیکان

مارتا کپول فاکس

ترجمه شهر بانو صارمی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Vatican City

Martha Capwell Fox

Lucent Books, 2006



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمیری،

شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

مارتا کپول فاکس

شهر واتیکان

ترجمه شهربانو صارمی

چاپ اول

نسخه

۱۳۹۰

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۱ - ۹۴۶ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 946 - 1

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

تومان

فهرست

۷	مقدمه: منحصر به فرد در میان کشورها
۱۳	۱. بزرگ‌ترین موزه جهان
۳۱	۲. تاریخ شهر واتیکان
۴۹	۳. شکوه و قدرت
۶۳	۴. کوچک‌ترین ابر قدرت جهان
۷۹	۵. زندگی روزانه در واتیکان
۹۷	۶. آینده واتیکان
۱۱۱	حقایق در باره شهر واتیکان
۱۱۳	یادداشت‌ها
۱۱۵	گاهشمار
۱۲۱	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۲۳	منابع مورد مشاوره
۱۲۷	نمایه

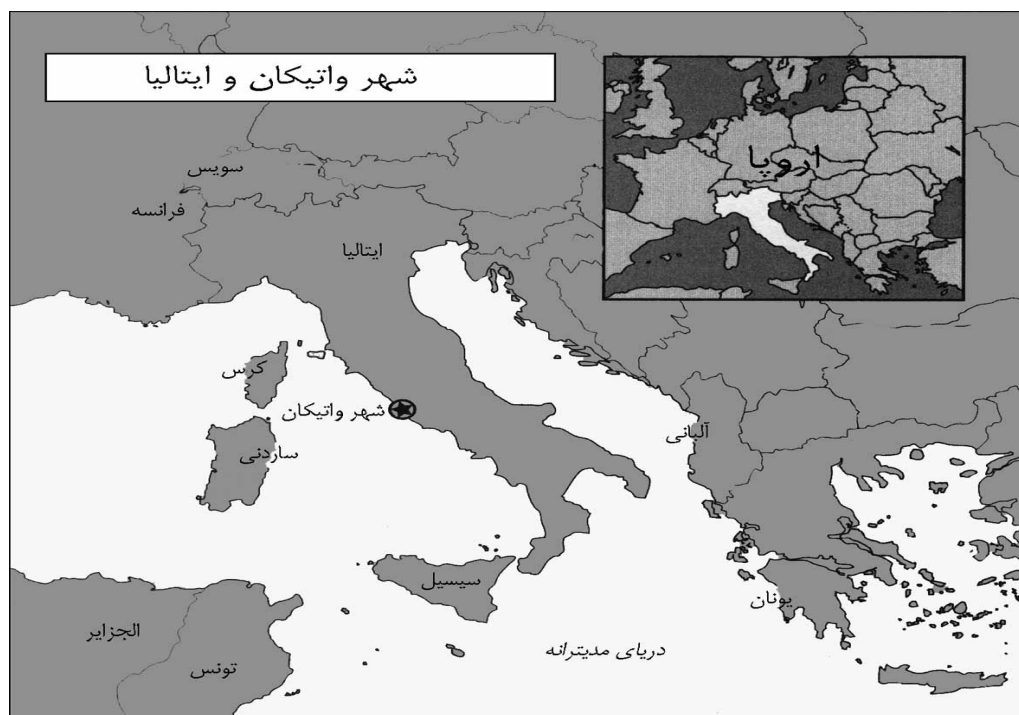
مقدمه

منحصر به فرد در میان کشورها

واتیکان، یا اگر بخواهیم نام رسمی آن را به کار ببریم، دولت‌شهر واتیکان کوچک‌ترین کشور مستقل جهان است. مساحت آن کم‌تر از ۱۰۹ آکر و کم‌تر از نصف مساحت سنترال پارک نیویورک است. شهر واتیکان تماماً در احاطه شهر رم قرار دارد. دیواری به طول ۳/۲ کیلومتر قسمت زیادی از مرز آن را مشخص کرده است، اگرچه در حاشیه میدان سان پیترو این مرز چیزی جز ردیفی از سنگ‌ها در میدان نیست.

قلمرو واتیکان افزون بر ناحیه پشت دیوارها، شامل سیزده کلیسا، باسیلیکا و ساختمان‌های دیگر در رم است: سان جوانی لاترانو (کلیسای جامع قلمرو اسقفی رم که پاپ اسقف آن است)، مریم مقدس کبیر، کاخ سان کالیستو و قلعه گاندولفو اقامتگاه تابستانی پاپ در بیرون از شهر.

شهر واتیکان حدود ۹۲۵ شهروند مقیم دارد که آن را از نظر جمعیت نیز کوچک‌ترین کشور جهان می‌کند. اغلب آنان کشیشانی‌اند که منصب‌های بالایی در کوریا، دستگاه اداری و حکومتی کلیسای کاتولیک دارند. هرچند کشیشان معمولی نیز در آنجا هستند، تعداد اندکی از زنان تارک دنیا، تعدادی افراد غیرروحانی، سربازان ارتش پاپی معروف به گارد سویسی و خانواده‌های آن‌ها از جمله شهروندان واتیکانند. قبلاً بیش‌تر شهروندان واتیکان اهل ایتالیا بودند، هرچند از زمان حکمرانی یوآنس



بیست و سوم^۱ (۱۹۵۸-۱۹۶۳) اسقف‌ها و کاردینال‌های اهل آمریکا، آمریکای لاتین، آفریقا، آسیا و همچنین دیگر ملیت‌های اروپایی نیز صاحب گذرنامه‌های واتیکان شده‌اند. شهروندی واتیکان هنگامی به شخص اعطا می‌شود که او منصبی می‌گیرد؛ و این شهروندی با پایان دوره خدمت (یا پایان عمر او) به پایان می‌رسد.

این گروه جهانی برای انجام کارهای روزمره خود به زبان ایتالیایی صحبت می‌کنند، هرچند از زبان‌های فرانسوی و انگلیسی نیز معمولاً استفاده می‌شود. با این همه لاتین همچنان زبان رسمی واتیکان است و همه اسناد به این زبان باستانی و همچنین زبان‌های مدرن تدوین و منتشر می‌شود.

شهر واتیکان به عنوان کشوری مستقل به ضرب سکه و صدور پلاک

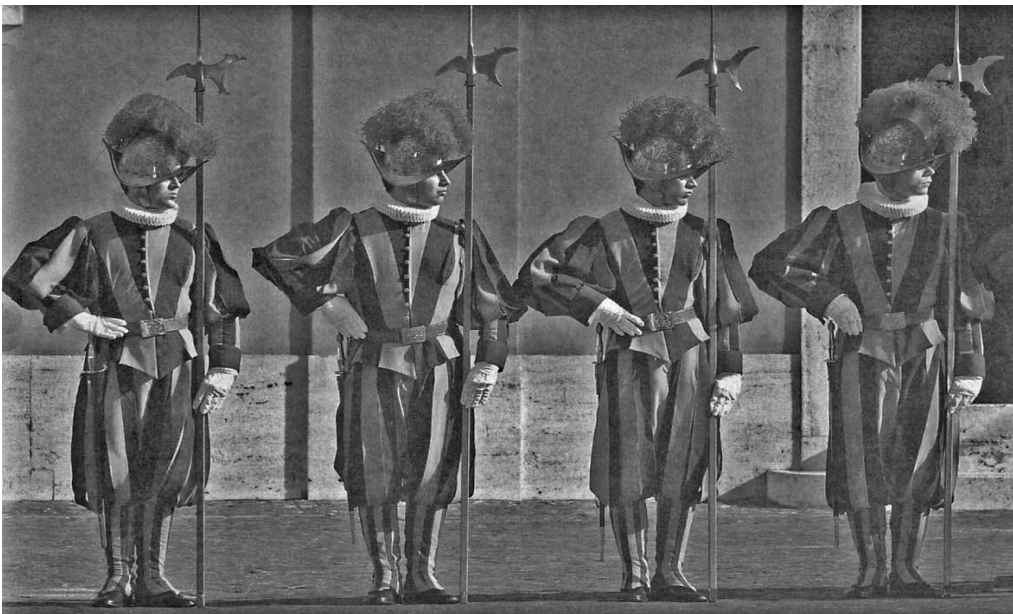
1. John XXIII

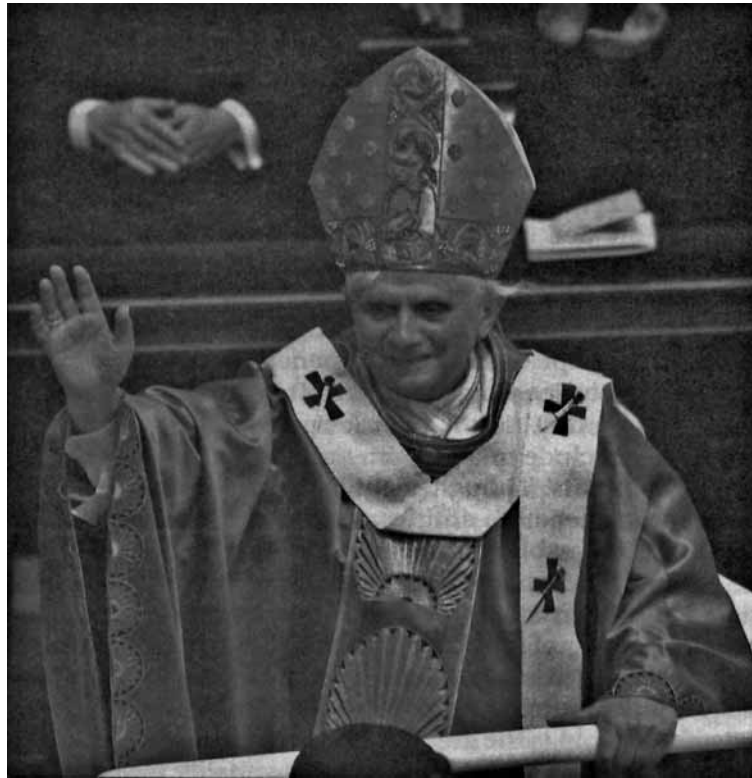
خودرو و چاپ تمبر نیز اقدام می‌کند. این کشور از نظر اقتصادی خودکفاست. شهروندان مالیات نمی‌پردازند، اما درآمد حاصل از بازدیدکنندگان موزه‌های واتیکان برای تأمین هزینه‌های امور روزمره همچون تعمیر ساختمان‌ها و روشنایی خیابان‌ها کافی است.

واحد سیاسی منحصر به فرد

شهر واتیکان در سیاهه کشورها، کشوری منحصر به فرد است. این کشور تنها حکومت دینی (کشوری که بر اساس قوانین مذهبی اداره می‌شود) جهان است که فرمانروای مطلق آن، انتخابی است، پاپ. امر غریب دیگر این است که اغلب انتخاب‌کنندگان - اعضای کالج کاردینال‌هایی که کم‌تر از هشتاد سال دارند - شهروند و مقیم شهر واتیکان نیستند، هر چند «امیران» یا شهریاران کلیسای کاتولیک محسوب می‌شوند. همچنین واتیکان یگانه واحد سیاسی در جهان است که در آن حاکم، پاپ، علاوه بر حاکم مطلق انتخابی، رهبر روحانی مذهبی نیز است، یعنی رهبر کلیسای کاتولیک رومی.

افراد گارد سویسی، ارتش صد نفره پاپی، حفاظت از شهر واتیکان را بر عهده دارند.





پاپ بندیکتوس شانزدهم
زائران را در پایان اولین
مراسم عشای ربانی خود
در میدان سان پیتر و در
آوریل سال ۲۰۰۵ تبرک
می‌کند.

نفوذ بی‌نظیر واتیکان در امور دنیا، تا حدودی از مرجعیت پاپ در مسائل اعتقادی برگستره وسیعی از مردم ناشی می‌شود. شانزده درصد از جمعیت جهان - تقریباً ۱/۱ میلیارد نفر - به عنوان کاتولیک رومی غسل تعمید داده شده‌اند که بزرگ‌ترین جامعه دینی جهان است. این امر نفوذ کلیسای کاتولیک رومی را از طریق مؤمنانش در مسائل عمومی و سیاسی بسیاری از ملل میسر می‌کند. دسترسی عملی به آن سوی همه مرزهای ملی در جهان به واتیکان اجازه می‌دهد تا اراده خود را به شیوه‌ای به کار گیرد که مورد رشک کشورهای معمولی و حتی قدرتمندترین آنهاست. پاپ‌های دوران جدید، مخصوصاً یوآنس پاولوس دوم [ژان پل دوم] (۱۹۷۸-۲۰۰۵) در تشویق رعایایشان برای رأی دادن و تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی در کشورهای خود، به نحوی که سازگار با

آموزه‌های کاتولیکشان باشد، تردیدی به خود راه نداده‌اند. به علاوه این نفوذ از طریق هیئت سیاسی بسیار بلندپایه منصب پاپی^۱ اعمال می‌شود که نماینده پاپ و کلیسای کاتولیک در ۱۷۴ کشور جهان و ده‌ها سازمان سیاست‌آفرین بین‌المللی‌اند.

درک تفاوت‌ها

شهر واتیکان و منصب پاپی در زبان دقیق و تعریف شده قوانین بین‌المللی و سیاسی عین هم و یک چیز نیست. دولت‌شهر واتیکان قلمروی است که منصب پاپی در آن مستقر است. منصب پاپی رم، قلمرو اسقفی کاتولیک رومی رم است. (منصب پاپی عبارت دیگری است برای «قلمرو اسقفی») اسقف رم - پاپ - به عنوان رهبر کلیسا به رسمیت شناخته شده و بلندپایه‌ترین اسقف‌ها در بخش اعظم تاریخ کلیساست.

شهر واتیکان در سال ۱۹۲۹ مطابق معاهده‌ای معروف به پیمان لاتران^۲ میان کلیسا و دولت ایتالیا به وجود آمد. کارکرد سیاسی شهر واتیکان نظارت بر اموال کلیسا در رم و اداره خودمختار و مستقل آن‌هاست. واتیکان موجودیت خود را مرهون مصالحه منصب پاپی و دولت ایتالیاست. ایتالیا پذیرفت که پاپ را به عنوان رهبری مستقل به رسمیت بشناسد و امنیت او و صلاحیت کلیسا را برای عمل مستقل تضمین کند. در مقابل پاپ و کلیسا پذیرفتند از هر گونه ادعایی نسبت به قلمرو ایتالیا غیر از شهر واتیکان دست بردارند.

منصب پاپی، حکومت واقعی کلیسای کاتولیک رومی است. مرجعیت این منصب مقید به یک جا نیست؛ به لحاظ نظری، پاپ از هر جا که می‌خواست می‌توانست حکمرانی کند. اگر شهر واتیکان ویران یا به دست نیرویی متخاصم تصرف و به تبعید پاپ منجر می‌شد (اتفاقی که چندین بار در تاریخ رخ داده است)، منصب پاپی هنوز وجود داشت. این موضوع بیش‌تر به منصب پاپی اختصاص دارد، نه شهر واتیکان که یک

1. Holy See

2. Lateran Treaty

واحد سیاسی بین‌المللی محسوب می‌شود، واحدی سیاسی که توان انعقاد معاهده با دیگر کشورها و اعزام و پذیرفتن دیپلمات‌ها را دارد. اگرچه به لحاظ حقوقی واتیکان و منصب پاپی واحدهای سیاسی جداگانه‌ای‌اند، در تداول روزمره این اصطلاحات به جای هم به کار می‌روند.

واتیکان در نظر بسیاری از مردم معانی متعددی دارد. واتیکان در نظر بسیاری از رهبران ملی و بین‌المللی هم مرکز نفوذ و هم مرکز دیپلماسی موقر و آرام، اما مؤثر در پشت پرده است. واتیکان از نظر کسانی که در زمینه نقاشی و هنرهای تجسمی و معماری تحقیق می‌کنند یا دوستدار هنرند، بزرگ‌ترین موزه جهان است. واتیکان با میلیون‌ها بازدیدکننده‌اش در سال برای رمی‌هایی که از صنعت گردشگری امرار معاش می‌کنند، معدن طلاست. واتیکان در نظر مسیحی‌ها و مخصوصاً کاتولیک‌های رومی، یکی از مقدس‌ترین اماکن جهان و با حضور پاپ در آن‌جا، سرچشمه هدایت معنوی و رهبری کلیسای آنان است.

بزرگ‌ترین موزه جهان

شهر واتیکان گنجینه هنر و معماری است. تنها کشور جهان است که سازمان ملل متحد تمامی آن را یکپارچه منطقه میراث جهانی اعلام کرده است. هزاران اثر هنری از برجسته‌ترین نقاشان و مجسمه‌سازان و معماران غربی از یونانیان و رومیان باستان تا هنرمندان قرن بیستم در آنجا یافت می‌شود. حتی تالارهای تاریک اداری و پلکان‌های معمولی پشتی هم به نقاشی‌های دیواری باشکوه و فرشینه‌های پر نقش و نگار و مجسمه‌های بی‌نظیر خود می‌بالند. گفته می‌شود دیدن همه اشیای ارزشمند در واتیکان سال‌ها وقت می‌طلبد.

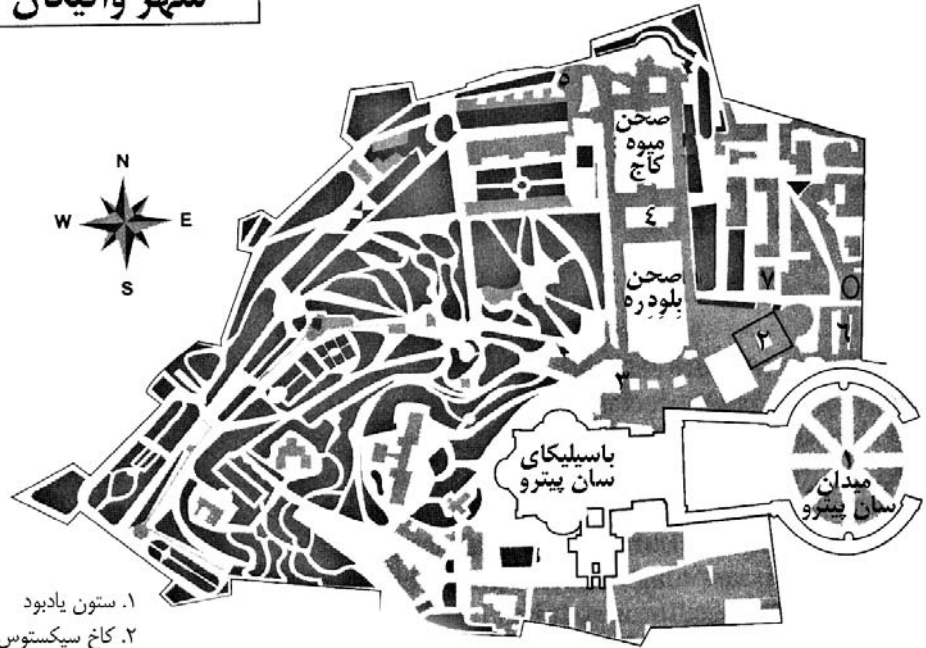
خانه‌های شهر واتیکان بخش مهمی از خارق‌العاده‌ترین هنر دنیا را تشکیل می‌دهد، زیرا کلیسا بزرگ‌ترین خریدار هنر در قرون پس از سقوط امپراتوری روم در قرن پنجم میلادی تا شروع قرن هجدهم بود. هنگامی که تنها عده کمی از مردم سواد خواندن داشتند، مجسمه‌ها، دیوارنگاره‌ها، نقاشی‌ها و پنجره‌های منقش در خدمت آموزش دینداری و ایمان بود. از نظر پاپ، مؤمنان و مخصوصاً هنرمندان، طبیعی بود که زیباترین آثار برای نمایش رابطه میان خدا و انسان، برای واتیکان خلق شود.

همکاری میان پاپ‌ها و هنرمندان در دوران رنسانس به اوج خود رسید. پاپ نیکولوس پنجم^۱ (۱۴۴۷-۱۴۵۵) و یولیوس دوم^۲ (۱۵۰۳-۱۵۱۳) با تبدیل واتیکان از کلیسای جامع ویران قرون وسطایی و حومه آن به

1. Nicholas V

2. Julius II

شهر واتیکان



۱. ستون یادبود
۲. کاخ سیکستوس پنجم
۳. نمازخانه سیستین
۴. کتابخانه واتیکان
۵. ورودی موزه واتیکان
۶. حیاط گارد سویسی
۷. دفتر پست مرکزی

باسیلیکایی به یاد ماندنی و موزه‌های امروز، برای خود شهرت و آبرو خریدند.

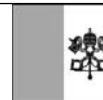
باسیلیکای سان پیتر و

باسیلیکای سان پیتر و [پطرس قدیس]، بزرگ‌ترین کلیسای جهان بر روی مکانی بنا شده است که برای مسیحیان ارج و قرب زیادی دارد زیرا مکان تدفین نخستین پاپ، شمعون پطرس (درگذشت حدود سال ۶۶ میلادی)، رهبر حواریان است. با کاشی‌کاری طلایی به زبان لاتین در داخل گنبد عظیم کلیسا سخن عیسی را به پطرس چنان‌که در انجیل متی مضبوط

است، بزرگ نوشته‌اند: *Tu es Petrus et super hanc petra aedificabo Ecclesiam meam* («تویی پطرس [صخره] و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم») کاتولیک‌های رومی این سخنان را اولین حکم پاپی به پطرس، از طرف مسیح تلقی می‌کنند.

شگفت این‌که این مکان بزرگ مقدس، در اصل محل استقرار یک سیرک رومی بود، میدانی که رقابت‌های قهرمانی و مسابقات در آن برگزار می‌شد. سیرک‌ها سرگرمی رایجی برای مردم رم بودند و در طی سه قرن نخست میلادی شکنجه، این تفریح گاهی شامل اعدام مسیحیان به شیوه‌های هولناک و گوناگون بود.

آیا این پطرس است؟



مؤمنان در طول شانزده قرن به پشتگرمی ایمان معتقد بودند که بقایای حاکی شمعون پطرس، ماهیگیر اهل جلیل، اولین پاپ، در مغاره زیر محراب اصلی باسیلیکا آرمیده است.

پاپ پیوس یازدهم در سال ۱۹۳۹ آن‌جا در کنار بسیاری از اسلاف خود دفن شد. پس از زمانی کوتاه، کار برای تبدیل مغاره به نمازخانه‌ای زیرزمینی آغاز گشت. کارگران به‌زودی گورهای رومی را با نمادهای مسیحی و پاگانی از زیر خاک درآوردند. آن‌گاه دیواری به رنگ قرمز که در روایت‌های باستانی مرقد پطرس را با آن توصیف کرده بودند، از زیر خاک درآمد. کارگران بیرون آمدند و تیمی از باستان‌شناسان یسوعی داخل شدند. پاپ پیوس دوازدهم در ۲۳ دسامبر سال ۱۹۵۰ اعلام کرد که مقبره پطرس پیدا شده است.

آیا خود پطرس را یافته بودند؟ بیانیۀ پاپی در این باره تا سال ۱۹۶۸ به تعویق افتاد. بررسی آزمایشگاهی استخوان‌های یافت‌شده نزدیک دیوار قرمز، حاکی از این بود که این استخوان‌ها متعلق به مردی خوش‌بنیه است که در دهه شصت عمر خود درگذشته — که می‌شد او را پطرس دانست. پاولوس ششم اعلام کرد بقایای پطرس شناسایی شده است. اگرچه همه باستان‌شناسان یا عالمان الهیات به اندازه پاولوس ششم مطمئن نبودند، او دستور داد استخوان‌ها را به مغاره بازگردانند و امروزه می‌توان این استخوان‌ها را از پشت شیشه مشاهده کرد.

بنا به روایت‌ها که تا اندازه‌ای نیز شواهد باستان‌شناختی آن را تأیید می‌کند، پطرس به صورت واژگون در سیرک نزدیک ستون یادبود به صلیب کشیده شد و در گورستان بزرگ همجوار آن به خاک سپرده شد. مسیحیان بر این اعتقادند که گور پطرس اکنون در زیر محراب اصلی کلیسای سان پیترو قرار دارد.

سان پیتروی «کهن»

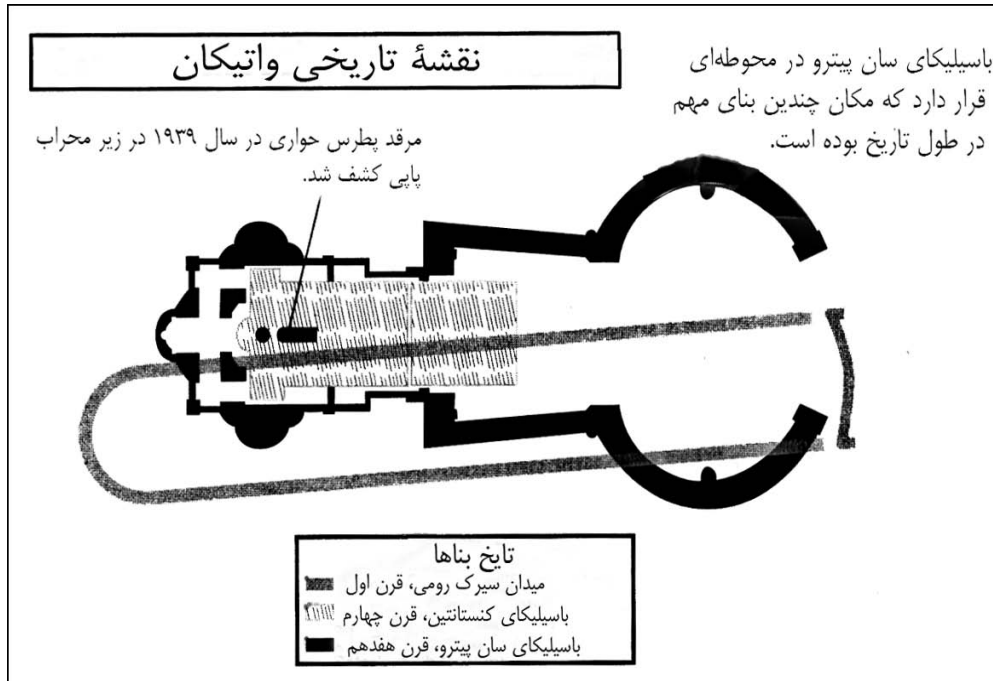
نخستین کلیسای بزرگ در این مکان حدود سال ۳۲۰ میلادی به فرمان کنستانتین^۱، اولین امپراتور رومی که به مسیحیت گروید، ساخته شد. روایت‌های قدیمی بنایی باشکوه را توصیف می‌کنند به طول ۶۳ متر در عرض ۱۰۸ متر و سقف آن ۳۳/۵ متر از کف زمین ارتفاع داشته و با طلا و سرامیک و آثار هنری به طرزی خیره‌کننده تزیین شده بوده است. کلیسای کنستانتین هم گورستان رومی را ویران ساخت که به مدت سیصد سال بالای تپه واتیکان بود و هم به حفاظت آن کمک کرد، زیرا کنستانتین دستور داد سقف آرامگاه‌ها را بردارند و آن‌جا را با خاک پر کنند و سپس کلیسا را رویش بسازند. گورها به‌ظاهر ناپدید شدند، ولی در زیر باسیلیکا از قرن‌ها باد و باران و خطرهای گوناگون محفوظ ماندند.

این کلیسا دوازده قرن پابرجا ماند و به تدریج مملو از محراب‌ها و مقبره‌های قرون وسطایی شد. اقامت چند ده ساله پاپ‌ها در آوینیون فرانسه موجب بی‌توجهی به بنا شد و در سال ۱۴۵۰ پاپ نیکولایوس پنجم تصمیم گرفت باسیلیکایی بزرگ‌تر و جدیدتر جانشین کلیسای قدیمی کند.

بنای باسیلیکا

این باسیلیکای جدید کوششی بود برای ساختن یادمانی که ۱۷۶ سال به طول انجامید. پاپ یولیوس دوم در اوایل قرن شانزدهم طرحی

1. Constantine



صلیبی شکل را با چهار ستون گول آسا که گنبد عظیمی را نگه می‌داشت تصویب کرد؛ هرچند پیش‌تر کار بنای کلیسای جامع جدید به سرانجام نرسید مگر تا زمانی که پاپ پاولوس سوم^۱ در سال ۱۵۴۶ میکلائنجلو [میکل آنژ]^۲ بوئوناروتی^۲ - مجسمه‌ساز بزرگ - را به عنوان معمار آن تعیین کرد. میکلائنجلو طرح‌های اصیل یونانی و رومی را برای کلیسا به کار گرفت. اما او طرح گنبد را حذف و آن را با سازه‌ای جسورانه عوض کرد که ۴۱/۷ متر قطر داشت و قرار بود ۱۳۲/۵ متر بر فراز محراب قد برافرازد. پاپ و معمار آن قدر زنده نماندند تا اتمام بنای باسیلیکا را ببینند؛ گنبد میکلائنجلو زودتر از سال ۱۵۹۰ به پایان نرسید.

پاپ پاولوس پنجم کارلو مادرنا،^۳ معمار ایتالیایی پیشرو زمان خود را

1. Paul III

2. Michelangelo Buonarroti

3. Carlo Maderna

ستون یادبود واتیکان



تک ستون هرمی واتیکان حدود سال ۶۰۰ ق.م در مصر تراشیده و حکاکی شده و در سال ۳۷ میلادی به رم آورده و در مکان سیرک نرون نصب شده است. پاپ سیکستوس پنجم در سال ۱۵۸۵ تصمیم گرفت تک ستون را به جلوی باسیلیکای سان پیتر و منتقل کند. در یکی از بزرگترین شاهکارهای مهندسی تاریخ، معمار و سازنده معروف دومینیکو فونتانا با استفاده از پنج اهرم ۱۵/۵ متری، ستون یادبود چهارصد تنی را از پایه اش درآورد. از چهل بالابر و دهها قرقره برای پایین آوردن ستون و قرار دادن آن به پهلو روی داریست چوبی اش استفاده شد. ستون یادبود را ۱۴۰ اسب و نهصد مرد به محل جدید بردند و کار به مراتب حساس تر - بلند کردن آن - آغاز شد. فونتانا دستور داده بود تا جمعیت عظیمی که برای تماشا ایستاده بودند، سکوت مطلق را رعایت کنند. اما یک ملوان از نحوه کشیده شدن طنابها نگران شد و فریاد زد: «*Aigua ae corde!*» یعنی «طنابها را خیس کنید!» توصیه ای فوق العاده بود - طنابهای خیس محکم شد و تک ستون سر جایش قرار گرفت.

سیکستوس پنجم صلیبی که ظاهراً قطعه ای از صلیب واقعی مسیح را داشت روی ستون یادبود نصب کرد. برای از میان بردن یک افسانه قرون وسطایی، کارگران، گویی را که بالای ستون یادبود قرار داشت و گفته می شد خاکستر یولیوس قيصر داخل آن است، شکستند و چیزی در آن نیافتند. هشتاد سال بعد هنرمند ایتالیایی جان لورنتسو برنینی تک ستون هرمی را نقطه مرکزی میدان سان پیتر و قرار داد و تا به امروز این ستون در همان جا قرار دارد.

تک ستون هرمی واتیکان که دو هزار سال قبل از مصر به رم آورده شد در مرکز میدان سان پیتر و قرار دارد.



در حدود سال ۱۶۱۰ مأمور کرد تا بنای شبستان (محل اجتماع مؤمنان) باسیلیکا را به اتمام برساند. مادرنا شبستان را امتداد داد و به طول رواق با ستوری‌ها و ستون‌هایش افزود تا به ورودی کلیسا برسد.

جان لورنتسو برنینی^۱ هنرمند باروک ایتالیایی حدود چهل سال بعد انتقال باسیلیکا از فضایی ملهم از دوران کلاسیک به بنای امروزی را کامل کرد که در آن طلا و مرمر و موزاییک بی‌دریغ به کار رفته بود. او همچنین سایبان پر نقش و نگاری بر روی چهار ستون پیچ‌دار مطلقاً که بر فراز محراب پایی سر به آسمان کشیده بود، به این بنا اضافه کرد. همزمان طراحی و ساخت ستون‌بندی دور میدان سان پیترو را به انجام رساند. از زمان برنینی تا به اکنون ظاهر باسیلیکا و میدان تغییر عمده‌ای نکرده است.

میدان سان پیترو

میدان بیضی شکل پهناوری که روبروی باسیلیکای سان پیترو قرار دارد (به غلط) به میدان سان پیترو معروف است. میدان سان پیترو به گفته لوییجی آکاتولی^۲ روزنامه‌نگار ایتالیایی که اخبار واتیکان را گزارش می‌دهد «برای مبهوت کردن طراحی شده است»^(۱). بنای عظیم و سفید کلیسا با حیاط بسیار بزرگ نیمه‌محصورش و تک‌ستون مصری باستانی‌اش که سر به فلک کشیده، مشهودترین و به یاد ماندنی‌ترین چشم‌انداز شهر واتیکان است.

برنینی یک ستون‌بند بیضی شکل عظیم را بین سال‌های ۱۶۵۶ و ۱۶۶۷ طراحی کرده و ساخته است که تقریباً میدان سان پیترو را محصور می‌کند. در این ستون‌بند در واقع چهار ردیف ستون سی و شش تایی در دو طرف قرار گرفته است، اما اگر بازدیدکننده بر روی یکی از دو صفحه‌ای بایستد که نقاط کانونی بیضی را مشخص کرده‌اند، ستون‌ها چنان دقیق صف کشیده‌اند که فقط یک ردیف بیش‌تر دیده نمی‌شود.

1. Gian Lorenzo Bernini

2. Luigi Accatoli



هزاران نفر از مردم در روزهای مقدس و رویدادهای خاص میدان سان پیترو را پر می‌کنند. فکر برنینی این بود که میدانی عمومی برای باسیلیکا بسازد، شبیه به مکان‌های اجتماع عظیم ستون‌داری که از وجوه متعارف زندگی در روم باستان بود. میدان گنجایش دست‌کم دویست هزار نفر را دارد و چنین جمعیت عظیمی در روزهای مقدس بزرگ همچون عید پاک و کریسمس و رویدادهای خاصی همچون بخشیدن مقام قدیسی به یک فرد، مراسم تشییع جنازه پاپ و انتخاب جانشین او امری عادی به شمار می‌آید.

طرح برنینی کلیسا را همچون مأمنی روحانی در مقابل دنیای آلوده به گناه، با مؤمنانی که در پناه فراگیر ستون‌بند جمع شده‌اند، نمادین می‌سازد. ابعاد میدان نه تنها به اجبار باید در تناسب با ابعاد عظیم باسیلیکا می‌بود، بلکه باید به راحتی گنجایش تمام جمعیت رم را می‌داشت. برنینی در این هدف کاملاً موفق بود، زیرا جمعیت ساکن در رم در آن زمان کمی بیش از بیست هزار نفر بود.

دلیل انتخاب شکل بیضی از طرف برنینی برای میدان سان پیترو معلوم نیست. یک تعبیر این است که او به رم باستان نظر داشته –

سوگ مریم



میکل‌انجلو [میکل‌آنژ] جوان و ناشناس بود که مأمور شد مجسمه‌ای در اندازه طبیعی از مریم باکره بسازد، مجسمه‌ای که جسد عیسی را در بازوان خود گرفته بود. سوگ مریم که یکی از مشهورترین مجسمه‌های جهان است، نیازمند مهارت و نبوغ او بود.

این چالشی غیرمعمول بود که مردی بزرگسال و تمام‌عیار روی دامن زنی بازنمایی شود. میکل‌انجلو برای این کار باید مریم را به بزرگی عیسی می‌ساخت ولی اندام درشت او را زیر چین‌های لباس بلند و گشاد زن پنهان می‌کرد که زیر اثر تراشیده قرار داشت. هر دو پیکره کاملاً متناسب و طبیعی جلوه می‌کردند.

میکل‌انجلو زمان کوتاهی پس از پرده‌بردای از مجسمه در باسیلیکای سان پیترو می‌شنید که بازدیدکنندگان اثر او را کار هنرمند دیگری می‌دانند. او که به خشم آمده بود، نام خود را روی حمایلی که روی سینه مریم گذشته بود حک کرد. اما بعد از آسیبی که به مجسمه وارد آمد، پشیمان شد و دیگر هیچ یک از آثار خود را امضا نکرد.

میلیون‌ها نفر از مردم در جریان نمایشگاه جهانی نیویورک در سال ۱۹۶۴-۱۹۶۵ در غرفه واتیکان، تنها باری که این مجسمه از واتیکان بیرون برده شد، از آن دیدار کردند. سوگ مریم که در سال ۱۹۷۲ به دست مردی چکش به دست و دیوانه در سان پیترو آسیب دیده بود، مرمت شد و اکنون پشت شیشه ضدگلوله در باسیلیکاست.

سوگ مریم میکل‌انجلو یکی از گنجینه‌های هنری متعدد واتیکان است.



کولوسئوم بیضی شکل است و تکستون مصر باستان در مرکز میدان مشخصه متعارف سیرک‌های رومی است. تعبیر روشنفکرانه‌تر این است که او تحت تأثیر کوپرنیک و دیگر ستاره‌شناسانی قرار داشت که کشف کرده بودند مدار زمین و دیگر سیاره‌ها به دور خورشید بیضی شکل است. از این منظر تکستون در مرکز میدان، نمادی است از خورشید، مرکز منظومه شمسی؛ پاپ مرکز کلیسا؛ و مسیح مرکز کائنات.

نمازخانه سیستین

نمازخانه کوچک سیستین جاخوش کرده در طول دیوار شمالی، کم‌حیرت‌انگیزتر از بنای یادمانی باسیلیکا نیست. این نمازخانه بین سال‌های ۱۴۷۵ و ۱۴۸۱ به دستور پاپ سیکستوس چهارم^۱ بنا شد و ابعاد آن مطابق ابعاد هیکل سلیمان در کتاب پادشاهان عهد عتیق است: چهل متر طول و ۱۳/۵ متر عرض و ۲۰/۵ متر ارتفاع. این نمازخانه به معنی دقیق کلمه عاری از هرگونه مشخصه معماری اعم از طاق و طاقچه دیواری یا حتی پنجره است (این بنا تنها دوازده پنجره گرد کوچک موسوم به نورگیر سقفی، نزدیک انتهای فوقانی دیوارها دارد) و مورخان هنر بر این عقیده‌اند که دیوارها و سقف نمازخانه سیستین از همان آغاز قرار بود با فرسکوها (دیوارنگاره‌ها) تزئین شود. پاپ یولیوس دوم برادرزاده سیکستوس می‌دانست میکلائنجلو [میکل‌آنژ] کسی است که باید آن‌ها را نقاشی کند.

میکلائنجلو نخست از این کار سر باز زد. او استدلال می‌کرد که مجسمه‌ساز است نه نقاش. اما پاپ‌ها عادت داشتند هر چیزی که می‌خواهند به دست آورند و در دهم ماه مه ۱۵۰۸ میکلائنجلو کارآموزی هنر دشوار نقاشی فرسکو را در حین کار آغاز کرد. فرسکو نقاشی روی گچ تازه و مرطوب (فرسکو در زبان ایتالیایی به معنی «تازه» است) با رنگ‌های تازه آمیخته است. از آنجا که انجام تغییرات پس از گذاشتن

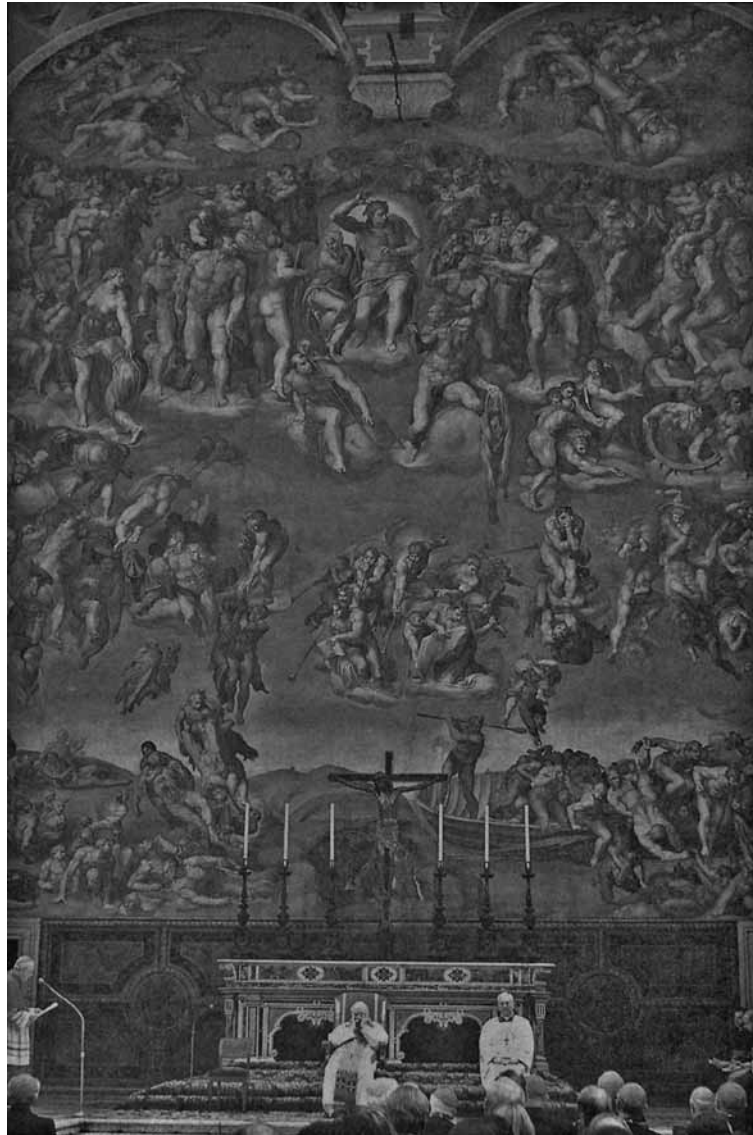
1. Sixtus IV

رنگ روی گچ دشوار است، فرسکو باید پیش از شروع نقاشی کاملاً سنجیده و حساب شده باشد. آن‌گاه نقاش باید به سرعت پیش از خشک شدن گچ کار خود را به اتمام برساند.

نخستین طرح میکلائجولو که او و برخی از دستیارانش بر روی بخشی از سقف نقاشی کرده بودند، مجموعه‌ای ایستا از پرتره‌های تمام‌قد حواریون بود. او که از این طرح‌ها راضی نبود، دستور داد تا سقف را دوباره گچ‌اندود کنند و تک و تنها کار بازنمایی ماندگار خود را از آفرینش کائنات و خلقت و سقوط آدم و حوا آغاز کرد. مابین ژانویه ۱۵۰۹ و اوت ۱۵۱۱ میکلائجولو بیش از چهارصد پیکر بزرگ‌تر از اندازه واقعی روی سقف و دیوارهای فوقانی نمازخانه پایی نقاشی کرد.

درک عمیق میکلائجولو از آناتومی و حرکات انسان آمیخته با قریحه بی‌همتای او در فرسکوهای نمازخانه سیستین، انقلابی در نقاشی غربی پدید آورد. پیکرهای روی سقف زنده به نظر می‌رسند، در آستانه لب گشودن و به حرکت درآمدن. میکلائجولو داستان‌های سفر آفرینش را - آفرینش کائنات، جدا کردن روشنایی از تاریکی، خلق آدم و حوا و سپس بیرون راندن آنان از عدن و سرانجام غرق کردن زمین در طوفان نوح و نجات دادن او و خاندانش - به نحوی تجسم بخشید که پیش از آن دیده نشده بود.

داستان آفرینش در نه تابلو بیان شده است و سقف را با تصاویر پیامبران کتاب مقدس و غیبگویان پاگان نشسته بر روی تخت‌های مرمرین پوشانده است و از طاق‌های قوسی به طرف پایین امتداد پیدا می‌کند. میکلائجولو همچنین برخی ویژگی‌های معمارانه را که بنا فاقد آنهاست، همچون چهارچوب طاق‌های خاکستری که مثل سنگ سه‌بُعدی به نظر می‌رسد با رنگ نقاشی کرده است. او این چهارچوب را به طرف نقاشی‌های روی دیوارهای جانبی نمازخانه که قبلاً نقاشان دیگر ترسیم کرده بودند، امتداد داده است تا آن‌ها را از نظر بصری به سقف متصل کند. نقاشی سقف از نظر جسمانی و فکری برای میکلائجولو کاری مشقت‌بار بود. او بیش‌تر نقاشی‌ها را در حالی که به پشت روی داربست دراز کشیده



پاپ یوآنس پاولوس [ژان پل] دوم در حال اجرای مراسمی که در دسامبر سال ۱۹۹۹ برای گرامیداشت مرمت نمازخانهٔ سیستین برگزار شد.

بود، حالتی که کار را از چشم ناظران پایین پنهان می‌کرد یا ساعت‌ها با سر خمیده به عقب، انجام می‌داد. یولیوس دوم بی‌قرار برای آن‌که ببیند دست‌پروردهٔ او چه می‌کند، پیوسته بالا می‌رفت تا نگاهی به نقاشی‌ها بیندازد و او را تحت فشار بگذارد که سریع‌تر کار کند.

سرانجام در چهاردهم اوت سال ۱۵۱۱ یولیوس دوم اصرار کرد تا اثر

کامل را ببیند. دستور داد داربست را خراب کردند و اولین کسی بود که از دیدن سقف نمازخانه سیستمین مبهوت شد.

مرمت بحث‌انگیز

در سال ۱۹۸۰ واتیکان تصمیمی بحث‌انگیز در باره تمیز کردن فرسکوهای نمازخانه سیستمین با استفاده از حلال جدیدی اتخاذ کرد که اثبات شده بود تغییری در رنگ اصلی ایجاد نمی‌کند و صدمه‌ای به آن نمی‌زند. روند تمیز کردن سقف نمازخانه دوازده سال زمان برد و مرمت تمام نمازخانه بیست سال طول کشید. منتقدان با مالیدن این حلال روی تکه‌های کوچکی از کار به اندازه تمبرهای پستی و سپس پاک کردن آن نشان دادند که این حلال موادی را که میکالانجلو برای به دست آوردن سایه‌روشن‌های معروف خود به کار برده است نیز پاک می‌کند. وقتی معلوم شد قسمت‌های تازه پاک‌شده رنگ‌های واضح و درخشان دارند، وحشت‌زده شدند.

با وجود این، نظافت فرسکوها جزئیاتی را آشکار کرد که زیر چهار و نیم قرن گرد و خاک و دوده پنهان شده بود. بازدیدکنندگان و بیش‌تر کارشناسان هنر و همچنین پاپ یوآنس پاولوس [ژان پل] دوم از نتایج کار خرسند بودند. انتظار می‌رود تأثیر نظافت با کمک سیستم تازه نصب‌شده تهویه هوا که مقدار گرد و خاک وارد شده به نمازخانه را تا حد زیادی کاهش می‌دهد، دست‌کم یکصد سال دوام بیاورد.

موزه‌های واتیکان

موزه‌های واتیکان بیش از ده مجموعه عمده مجزا و تعداد زیادی مجموعه کوچک‌تر را در خود جا داده است. مجتمع موزه‌ها که شامل بخش‌های در معرض دید کاخ واتیکان (همچنین معروف به کاخ پاپی) است، یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های موزه‌ای جهان است. مجموعه‌های بی‌نظیر این موزه‌ها علاوه بر تابلوهای نقاشی و مجسمه‌ها شامل کتاب‌های نادر و خطی، سنگ‌های قیمتی و جواهرات، سکه، زره و

سلاح، هنر و مصنوعات باستان و حتی وسایط نقلیه و اقامتگاه‌های کوچک است. گفته می‌شود صرف‌نظر از هزاران شیء و اسنادی که در خزانه‌ها هستند، ممکن است برای دیدن آثاری که در معرض نمایشند فقط یک سال وقت لازم باشد.

پاپ‌ها اولین فرمانروایانی بودند که در مجموعه‌های هنری خود را به روی عموم تماشاگران گشودند. آن‌ها برای چنین کاری دلایل متعددی داشتند. هنر و سیله‌ای برای تعلیم داستان مسیح و قدیسان به مؤمنان بود. عتیقه‌های متعلق به یونان باستان و روم و مخصوصاً مصر، پیوندهای کلیسا را با گذشته نشان می‌داد و مخصوصاً بر این نکته تأکید داشت که مقدر بوده است کلیسا ماندگارتر از آن قدرت‌های نابود شده باشد.

مبدأ پیدایش موزه‌ها هنگامی بود که پاپ یولیوس دوم چندین مجسمه یونان و روم باستان را از مجموعه شخصی خود به واتیکان انتقال داد. تاریخ موزه‌های واتیکان در شکل فعلی خود به عهد پاپ کلمنس چهاردهم^۱ (۱۷۶۹-۱۷۷۴) و پاپ پیوس ششم^۲ (۱۷۷۵-۱۷۹۹) بازمی‌گردد، پاپ‌هایی که نامشان زینت‌بخش موزه پیو-کلمانتین است. جدای از

موزه‌های واتیکان مجموعه‌ای هنری را در خود جا داده است که پانصد سال قدمت دارد.



1. Clement XIV

2. Pius VI

ساختن گالری‌های دائمی برای مجموعه عظیم نقاشی‌ها و مجسمه‌هایی که از قبل قرن‌ها در واتیکان بود این دو پاپ کوشیدند تا جریان فروش عتیقه‌های رومی را در بیرون از ایتالیا به ثروتمندان اروپایی، کند کنند. واتیکان تلاشی سنجیده آغاز کرد تا آثار هنری به دست آمده از حفاری‌های علم جدید باستان‌شناسی در سرتاسر مدیترانه را مالک شود و دارایی‌های خود را از لحاظ انواع عتیقه‌های کلاسیک فوق‌العاده گسترش داد.

توسعه بزرگ دیگری در نتیجه حمله فاجعه‌بار ناپلئون روی داد. ناپلئون امپراتور فرانسه در سال ۱۷۹۷ هزاران گنجینه هنری و ادبی واتیکان را غارت کرد و آن‌ها را به پاریس انتقال داد. کنگره وین پس از شکست ناپلئون در سال ۱۸۱۶ نه تنها فرمان داد بیش‌تر اشیای به سرقت‌رفته بازگردانده شود، بلکه ترتیبی داد که واتیکان نقاشی‌ها و مجسمه‌های دزدیده شده را از دیگر بخش‌های ایالت‌های پایی بگیرد. این کار باعث شد تا چند اثر مشهور دیگر از جمله تابلوی تبدیل عیسی^۱ اثر رافائل^۲، نقاش زبردست دوره رنسانس و تدفین مسیح اثر کاراوادجو^۳ نقاش اواخر قرن هفدهم به مجموعه واتیکان اضافه شود.

محوطه‌های جدیدی در واتیکان برای احیای موزه‌ها در نظر گرفته شد. چندین موزه جدید از جمله موزه‌های اتروسکی^۴ و مصری در دهه ۱۸۳۰ افتتاح شد. موزه‌های هنر آفریقایی، آسیای جنوبی، ژاپنی و چینی با اشیایی که به دست مبلغان مذهبی گردآوری شده بود، در اواخر قرن نوزدهم آغاز به کار کرد. توسعه مجموعه‌ها و بناهایی که این اشیا را در خود جا می‌داد تا جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) ادامه پیدا کرد. آنگاه موزه‌ها تعطیل و مجموعه‌های آن‌ها بسته‌بندی و کنار گذاشته شد. سپس از فضای موجود برای محافظت از آثار هنری که از کلیساها و موزه‌های مناطق جنگی به آن‌جا منتقل شده بود و همچنین از انبار مواد غذایی برای نیازمندان و اسکان تعداد زیادی از پناهندگانی استفاده شد که واتیکان به

1. Transfiguration

2. Raphael

3. Caravaggio

4. Etruscan

عنوان قلمرو مستقل بی طرف در طی جنگ آن‌ها را پناه داده بود. موزه‌ای از هنرهای مذهبی معاصر و موزه‌ای که وسایط نقلیه پاپی را از درشکه گرفته تا خودرو به نمایش می‌گذاشت، از دهه ۱۹۶۰ به این مجموعه‌ها اضافه شده و مجتمع موزه به مدرن‌ترین استانداردهای تصدیگری امروزی مجهز شده است. ورودی بزرگ جدیدی در گوشه شمال غربی واتیکان در سال ۲۰۰۰ ایجاد شده است که ورود میلیون‌ها بازدیدکننده را که هر سال برای دیدن موزه‌ها می‌آیند تسهیل می‌کند.

باغ‌های واتیکان

باغ‌های پاپی به رغم این حقیقت که چهل درصد محوطه شهر واتیکان را تشکیل می‌دهند، در قیاس با موزه‌ها کم‌تر در دسترس بازدیدکنندگان قرار دارند. در مقاطع گوناگون تاریخ، از باغ‌های واتیکان به عنوان مزارعی برای تأمین خورد و خوراک ساکنان استفاده شده است. از این باغ‌ها همچنین به عنوان باغ‌های جانورشناسی استفاده شده است: منلیک^۱ امپراتور حبشه اوایل قرن نوزدهم به پاپ لئوی سیزدهم^۲ یک جفت شیر هدیه داد و گفته‌اند که شترمرغ و غزال و انواع و اقسام ماکیان در مقاطع گوناگون در آن جا نگهداری می‌شده است.

برخی قسمت‌های باغ‌ها کاملاً قدیمی‌اند. چند بخش از دیوارهای لئویی قرن نهم، باروی اصلی واتیکان، هنوز در باغ‌ها باقی مانده است. باغ ایتالیایی، هزارتویی از بوته‌های شمشاد از قرن شانزدهم که در احاطه درختان کاج ایتالیایی و سدرهای لبنانی است باقی مانده و به همین ترتیب است باغ فرانسوی باروک که به دلیل فواره‌ها و یاسمن‌هایش معروف است. بخش‌های مختلف باغ تعمداً با الگوهای هندسی طراحی شده است تا منظره آن از روی بام یا گنبد سان پیتر و پائول دیده شود. بالاترین نقطه واتیکان ۷۵ متر بالاتر از سطح دریا در باغ قرار دارد؛ این نقطه تقریباً همسطح بالاترین نقطه گنبد باسیلیکا است.

1. Menelik

2. Leo XIII



بخش اعظم طراحی باغ‌های امروزی به عهد لئوی سیزدهم بسیاری از باغ‌های شهر واتیکان به شکل هندسی آراسته‌ای طراحی شده‌اند.

(۱۸۷۸-۱۹۰۳) و به زعم خودشان یکی از «پاپ‌های زندانی» بازمی‌گردد، پاپ‌هایی که عدم رضایت خود از دولت جدید مستقل ایتالیا را با عدم خروج از واتیکان تا پایان عمر نشان دادند. این به اصطلاح زندانیان واتیکان - پیوس نهم، لئوی سیزدهم، پیوس دهم، بندیکتوس پانزدهم^۱ و پیوس یازدهم، تا سال ۱۹۲۹ - فقط به باغ‌های واتیکان دسترسی داشتند و برای همین نسبت به اسلاف و اخلاف خود توجه بیشتری به آن‌ها نشان دادند. لئوی سیزدهم دستور داد تا راه‌ها را طوری بکشند که بتواند

1. Benedict XV

با درشکۀ خود دور زمین‌ها بگردد؛ همچنین دستور داد تا کستانی غرس کنند و محوطه‌ای برای شکار اختصاص دهند، هرچند این باغبان واتیکان بود که تیراندازی می‌کرد.

امروزه از باغ‌های واتیکان هنوز هم برای منظوره‌های مختلف استفاده می‌شود. در چندین آکر از زمین‌ها انواع سبزی‌ها و درختان میوه کاشته‌اند که از محصولاتش برای پذیرایی از پاپ و مقامات واتیکان استفاده می‌شود و بخش دیگری از این محصولات در بازار واتیکان به فروش می‌رسد. وقتی در باغ‌ها به روی بازدیدکنندگان باز است، مقداری درآمد نصیب واتیکان می‌شود. محل نشستن و برخاستن هلیکوپتر در گوشه باغ دور از باسیلیکا قرار دارد؛ گارد سویسی از آن‌جا و دیگر فضاهای باز برای کارآموزی افرادش استفاده می‌کند. برج مخابراتی رادیو و تلویزیون نیز در یکی از دورترین نقطه‌های باغ قرار دارد.

رصدخانه واتیکان، نزدیک مرکز باغ‌ها در یکی از معدود نقاط شهر رم قرار گرفته است که از بیش‌تر نورهای مزاحم شهری در امان است. شایسته است مکانی که چنین امور روحانی در آن متمرکز است، مکانی برای چشم دوختن به آسمان‌ها داشته باشد.